

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۸ نومبر ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

سه شکست در سه روز، به همراه تحریم‌های جدید

در این هفته، عرصه سیاست خارجی برای جمهوری اسلامی، شکست‌های پی در پی بود. از روز جمعه تا اواسط هفته جاری، جمهوری اسلامی سه بار در سازمان‌های بین‌المللی به محاکمه کشیده شد و محکوم گردید. شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر گزارش مدیر کل آژانس مهر تأیید زد و با صدور قطعنامه‌ای از جمهوری اسلامی خواست که بی‌درنگ به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل عمل کند. این قطعنامه که با ۳۲ رأی موافق، از جمله روسیه و چین به تصویب رسید، دو رشته نتایج پی در پی خواهد داشت. از آنجائی که این قطعنامه در پی گزارش مدیر کل آژانس پیرامون اهداف نظامی جمهوری اسلامی انتشار می‌یابد، نتیجه درازمدت آن، باز شدن دست دولت امریکا و متحدین وی در هر گونه اقدام سیاسی و نظامی، از طریق شورای امنیت سازمان ملل و یا حتا بدون آن، با توجیه همین گزارش و قطعنامه خواهد بود. نتیجه کوتاه مدت آن نیز تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی، خارج از سازمان ملل و مصوبات آن است. از مدیر کل آژانس خواسته شده است که گزارش دیگری در مورد عملکرد جمهوری اسلامی در قبال این قطعنامه و تعهدات خود در قبال قطعنامه‌های شورای امنیت به اجلاس اردیبهشت ماه سال آینده ارائه دهد. در پی صدور این قطعنامه، وزیر امور خارجه امریکا با صدور بیانیه‌ای از این تصمیم آژانس استقبال کرد. در این بیانیه آمده است: "دنیا این پیام روشن و یکسان را به تهران فرستاده است که به شدت از مدارکی که در گزارش هفته گذشته دبیر کل آژانس، آمارو مطرح شده بودند، نگران است." "این گزارش روشن‌ترین تأیید بود بر آنچه ایالات متحده برای مدتی طولانی باور داشته است که حکومت ایران خلاف انکارهای مداومش در پی فناوری‌ها و تجهیزاتی است که تنها می‌توانند در برنامه اتمی تسلیحاتی به کار روند." سخنگوی کاخ سفید نیز گفت: "همه جهان اکنون می‌داند که ایران نه تنها به دنبال این بوده که برنامه غنی‌سازی اورانیوم خود را بیش از دو دهه پنهان کند، بلکه همچنین در حال تحقیق و توسعه فعالیت‌هایی بوده که تنها می‌تواند یک کاربرد داشته باشد: ساخت کلاهک هسته‌ای."

از همین موضع‌گیری‌ها، به وضوح می‌توان معنای صدور قطعنامه آژانس انرژی اتمی و اهداف آن را لااقل تا جائی که مورد نظر امریکا و متحدین آن است، دریافت. بنابراین بی‌درنگ، هدف فوری از تصویب این قطعنامه را در همین هفته به مرحله اجرا گذاشتند.

روز دوشنبه وزیر امور خارجه انگلیس اعلام کرد: "بریتانیا بانک مرکزی ایران را تحریم کرده و مبادلات تمام نهادهای مالی این کشور با سیستم بانکی ایران قطع خواهد شد." وی افزود: "به زودی سایر کشورها نیز جزئیات تصمیمات خود را اعلام خواهند کرد." ساعاتی بعد، وزارت امور خارجه کانادا با صدور قطعنامه‌ای خبر از تحریم‌های جدید این کشور علیه جمهوری اسلامی داد. هرگونه مبادلات مالی با جمهوری اسلامی و صادرات تجهیزات پتروشیمی، نفت و گاز را به ایران ممنوع اعلام نمود. بیانیه می‌گوید: "نظام فعلی حاکم بر ایران، از بزرگترین و خطرناکترین تهدیدهای صلح و امنیت جهانی است و کانادا آماده اتخاذ تصمیم‌های جدی‌تر در مواجهه با ایران و پرونده اتمی این کشور است." دولت فرانسه پا را از محدوده تحریم مالی جدید و صنایع گاز و پتروشیمی فراتر نهاد و خواستار تحریم هر گونه معامله نفتی با جمهوری اسلامی شد.

رئیس جمهوری فرانسه با ارسال نامه‌ای به دولت‌های امریکا، کانادا، ژاپن و اعضای اتحادیه اروپا از آن‌ها خواسته است که بی‌درنگ دارایی‌های بانک مرکزی ایران را مسدود کنند و در مورد توقف خرید نفت از جمهوری اسلامی تصمیم بگیرند.

دولت امریکا نیز یکرشته تحریم‌های جدید در مورد مؤسسات مالی جمهوری اسلامی، صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و تعداد دیگری شرکت‌های وابسته به جمهوری اسلامی را به مرحله اجرا گذاشت و علاوه بر این رژیم اسلامی را به پول‌شویی متهم کرد. دولت‌های اروپایی یکی پس از دیگری آمادگی خود را برای اعمال تحریم‌های جدید اعلام می‌کنند و رئیس کمیسیون انرژی اتحادیه اروپا نیز گفته است که تحریم نفتی جمهوری اسلامی تأثیری بر تأمین انرژی کشورهای اروپایی نخواهد داشت.

تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی یکی از شدیدترین تحریم‌هایی است که در طول چند سال اخیر علیه جمهوری اسلامی اعمال می‌شود. این که تأثیر این تحریم تا چه حد خواهد بود، تا حدود زیادی وابسته به اعمال آن از سوی اتحادیه اروپا در مجموع است. اما در هر حال نه تنها مبادلات مالی رژیم را به همراه نقل و انتقال درآمدهای نفتی محدود خواهد ساخت و هزینه‌های سنگینی را برای فرار از عواقب این تحریم به جمهوری اسلامی تحمیل خواهد کرد، بلکه تأثیر وخیم‌تری بر تشدید بحران اقتصادی و داد و ستد مؤسسات تولیدی و خدماتی بر جای خواهد گذاشت. این تحریم همچنین باعث خواهد شد که بهای ارزهای خارجی در ایران شدیداً افزایش یابد، ارزش ریال کاهش پیدا کند و با افزایش بهای کالاها، نرخ تورم از این بابت نیز تحت تأثیر قرار بگیرد.

اما مسأله جدیدی که اکنون به میان کشیده شده و تاکنون هیچ‌گاه بحث آن مطرح نشده بود، تحریم خرید نفت از جمهوری اسلامی است. لابد اکنون که رئیس جمهوری فرانسه خواستار توقف خرید نفت از جمهوری اسلامی شده است، قبلاً فکر نتایج آن و تأثیرش را بر نوسانات بازار جهانی نفت کرده‌اند و الا این مسأله همچون گذشته مسکوت می‌ماند. این واقعیت هم پوشیده نیست که وقتی سران قدرت‌های اروپایی و امریکا چنین مسایلی را مطرح می‌کنند، پیشاپیش از طریق مذاکرات مخفی در مورد آن تبادل نظر کرده‌اند. تحریم خرید نفت البته می‌تواند آخرین و تأثیرگذارترین تحریم اقتصادی باشد. چرا که یک چنین تحریمی جمهوری اسلامی را به کلی فلج خواهد کرد و درآمد نفتی را شدیداً کاهش خواهد داد. در هر حال پس از تحریم بانک مرکزی، اگر دولت امریکا و متحدین اروپایی آن

بخواهند این تحریم را تشدید کنند، گام بعدی توقف خرید نفت از جمهوری اسلامی است. اکنون این احتمال پدید آمده است که در دور بعدی تحریم‌ها که احتمالاً سال آینده باشد، نفت نیز به لیست تحریم‌ها افزوده گردد.

جمهوری اسلامی پس از قطعنامه آژانس، به فاصله چند ساعت با قطعنامه جدیدی در مجمع عمومی سازمان ملل روبرو شد که از سوی عربستان ارائه شد و به تصویب رسید. این قطعنامه که ظاهراً به محکومیت تروریست و حفاظت از دیپلمات‌های کشورهای اختصاص یافته، در واقع سندی در محکومیت جمهوری اسلامی است. نه فقط از آن‌رو که هر کس می‌داند قطعنامه پیشنهادی عربستان سعودی پس از ماجرای طرح ترور سفیر این کشور در آمریکا به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شده است، بلکه از تنها دولتی که در این قطعنامه، نامی به میان آمده است، جمهوری اسلامی است. قطعنامه، طرح ترور سفیر عربستان را در آمریکا محکوم می‌کند، از جمهوری اسلامی خواسته می‌شود به تعهدات بین‌المللی برای حفظ جان دیپلمات‌ها احترام بگذارد و با کشورهایائی که قصد محاکمه طراحان و حامیان این ترور را دارند، همکاری نماید.

معنای تصویب این قطعنامه برای جمهوری اسلامی چیست؟ این قطعنامه در واقع اتهاماتی را که دولت آمریکا و عربستان در مورد دست داشتن جمهوری اسلامی در طرح ترور مطرح کرده‌اند، تأیید می‌کند و جمهوری اسلامی را در سازمان ملل به عنوان رژیم تروریست معرفی می‌نماید.

گرچه در این قطعنامه در ظاهر گفته نشده است که مجمع عمومی، جمهوری اسلامی را به عنوان دولتی تروریست محکوم می‌کند، اما سرتاپای این قطعنامه، سندی بر معرفی و محکومیت جمهوری اسلامی به عنوان رژیم تروریست است. از همین‌رواست که نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل، پیش از تصویب این قطعنامه، نامه‌های تهدیدآمیزی برای دبیر کل سازمان ملل و رئیس مجمع عمومی ارسال نمود و تصویب آن را تهدیدی برای امنیت منطقه‌ئی و بین‌المللی توصیف کرد.

سه روز بعد، یک بار دیگر مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه جدیدی در محکومیت جمهوری اسلامی، اما این بار به علت نقض و پایمال کردن حقوق مدنی و سیاسی مردم ایران صادر کرد. قطعنامه پیشنهادی کانادا که در آن "نقض گسترده حقوق بشر در ایران شدیداً" محکوم شده است، با ۸۶ رأی مثبت به تصویب رسید. جمهوری اسلامی که در میان توده مردم ایران مفتضح و رسواست، در عرصه بین‌المللی نیز به چنان رژیم منفور و رسوائی تبدیل شده است که در فاصله سه روز حتماً می‌تواند دو قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل علیه‌اش صادر شود. جمهوری اسلامی که اکنون در میان مردم ایران بی‌اعتبار، ایزوله و فاقد هر گونه پایگاه است و موجودیت خود را تنها با سرنیزه نیروهای مسلح حفظ کرده است، در عرصه بین‌المللی نیز به کلی منفرد و بی‌اعتبار شده است. از همین‌روست که در این هفته متحمل یکرشته شکست در عرصه سیاست خارجی گردید. این سرنوشت همه رژیم‌های استبدادی است که به روی مردم کشور خود شمشیر می‌کشند.

این هم یک رسوائی دیگر

انتشار خبر حمله پولیس و نیروهای دادستانی جمهوری اسلامی با پرتاب گاز اشک‌آور به درون دفتر روزنامه ایران در این هفته، چندان هم تعجب‌آور نبود. از این اتفاقات در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، بسیار رخ می‌دهد و به امری عادی تبدیل شده است. چرا که جمهوری اسلامی فقط در برخورد با توده‌های مردم ایران به قهر و سرکوب متوسل نمی‌شود، باندهای درونی جمهوری اسلامی، برای تسویه حساب با یکدیگر نیز به روش‌های قهرآمیز متوسل می‌شوند، گیریم ملایم‌تر از برخورد با مردم.

اما بهرغم اخبار متناقضی که انتشار یافت، اصل قضیه چه بود؟ چرا به درگیری کشید و از کجا منشاء گرفت؟ ریشه تمام ماجرا در تضادهای درگیری‌های درونی است که جمهوری اسلامی با آن روبروست. جمهوری اسلامی در چنگال انبوهی از بحران‌ها گرفتار است. این بحران‌ها در درون طبقه حاکم بر ایران انعکاس یافته و به اختلافات شدید و تضادهای حاد و لاینحل انجامیده است. جمهوری اسلامی در طول سال‌های گذشته تلاش نمود با تصفیه‌های درونی بر این بحران درون رژیم غلبه کند. جناح‌ها و گروه‌های متعددی کنار زده شدند و سر و کار برخی از سران آن‌ها به زندان و فرار از ایران هم کشید. بگذریم از این که در گذشته‌های دورتر اعدامی هم داشتند. معهذاً، با تمام این تصفیه‌ها، معضل رژیم حل نشد و با حذف هر گروه و باند، در میان گروه‌های باقی‌مانده، باندهای جدیدی شکل گرفت. اختلافات و تضادهای تازه‌ای پدید آمد و این روند ادامه یافت تا جایی که امروز چنان تضادهای و اختلافات حاد شده‌اند که هر گروهی، همه امکانات خود را برای تسویه حساب با گروه دیگر به کار گرفته است. هم اکنون در یک طرف، باندهای متشکل در درون مجلس و قوه قضائیه تحت رهبری خامنه‌ای صف‌آرایی کرده‌اند و در طرف مقابل، باندهای متشکل در قوه اجرائی، تحت رهبری احمدی‌نژاد. این هر دو دسته مشغول توطئه و تلاش برای وارد آوردن ضربه به یکدیگرند.

پس از علنی شدن نزاع احمدی‌نژاد و خامنه‌ای، باندهای متشکل در مجلس و قوه قضائیه یورش همه‌جانبه‌ای را به احمدی‌نژاد و باندهای طرفدار او آغاز نمودند که تاکنون حتماً به دستگیری تعدادی از آن‌ها انجامیده است. ماجرای حمله به دفتر روزنامه ایران هم ادامه همین کشمکش‌هاست.

دو روز پیش از این حمله، مصاحبه‌ای از جوانفکر، سرپرست روزنامه ایران که در عین حال مدیر عامل خبرگزاری ایرنا و مشاور مطبوعاتی احمدی‌نژاد نیز است، در روزنامه اعتماد به چاپ رسید که وی در این گفت و گو، ماجراهائی از کشمکش‌ها و اختلافات درونی رژیم را برملا کرد، به افشائگری علیه باندهای رقیب پرداخت، از مشائی دفاع کرد و گفت به دستور مقامات بالا دهانش را بسته‌اند و تهدید کرد که احمدی‌نژاد پرونده‌های فساد و دزدی‌های آن‌ها را برملا خواهد کرد. از آنجائی که سران جمهوری اسلامی و دسته‌بندی‌های آن، همه پرونده‌های کلان دزدی و فساد مالی دارند، هر گروهی از آن‌ها می‌کوشد با استفاده از این حربه، گروه‌های رقیب را مرعوب و به عقب‌نشینی وادارد. می‌دانیم که تاکنون تعدادی از اطرافیان احمدی‌نژاد با همین اتهامات دستگیر و به زندان انداخته شده‌اند. گویا در دوره‌ای که وزارت اطلاعات در دست احمدی‌نژاد بود و دو معاون این وزارتخانه از طرفداران او، تعدادی از پرونده‌های فساد گروه‌های رقیب خود را از وزارت اطلاعات بیرون برده و هم اکنون در دست احمدی‌نژاد است.

به هر رو، در پی انتشار مصاحبه جوانفکر، سران دستگاه قضائی فرصت را غنیمت شمرده تا ضربه دیگری به طرفداران احمدی‌نژاد وارد آورند و دستور تعطیل روزنامه اعتماد که وابسته به گروه‌های "اصلاح‌طلب" است و دستگیری جوانفکر را صادر نمود. لذا روز دوشنبه، نیروهای پولیس و دادستان به قصد دستگیری جوانفکر وارد دفتر روزنامه ایران می‌شوند. آن‌ها برای قدرت‌نمائی و تحقیر احمدی‌نژاد، در همان‌جا می‌خواهند به وی دستبند بزنند و وی را با دستبند به خیابان ببرند که درگیری آغاز می‌شود. کارکنان روزنامه ایران به طرفداری از جوانفکر وارد ماجرا می‌شوند و نمی‌گذارند که او را دستگیر کنند. واحدهای پلیس کمکی به دفتر روزنامه گسیل می‌شوند که با پرتاب گاز اشک‌آور به درون ساختمان به سوی کارکنان روزنامه یورش می‌برند. آن‌ها را با باتوم‌های شوک‌آور کتک می‌زنند. وسایل دفتر روزنامه را تخریب می‌کنند و حدود ۳۰ نفر را دستگیر و روانه بازداشتگاه می‌کنند. اما گویا موفق نمی‌شوند جوانفکر را با خود ببرند. چون در این فاصله در درون سران رژیم مسایلی می‌گذرد که ما از

آن بی‌خبریم و دستور عقب‌نشینی پولیس صادر می‌شود. همین قدر می‌دانیم که احمدی‌نژاد مانع دستگیری وی شده است. اما این که چگونه؟ به احتمال زیاد، می‌باید با دخالت خامنه‌ای مسأله عجالاً پایان یافته باشد.

دادستان تهران نیز در گفت و گوئی که با خبرنگاران داشت، پنهان نکرد که دستگیری جوانفکر در رابطه با مصاحبه با روزنامه اعتماد و مسایل مطرح شده در این گفت و گو بوده است. وی گفت: "در پی مصاحبه روز شنبه علی اکبر جوانفکر با یکی از روزنامه‌های کشور و طرح مسایل خلاف واقع و تنش‌آفرین، اطلاع حاصل شد که مشارالیه قصد دارد در روز دوشنبه هم با برگزاری نشستی مطبوعاتی این اظهارات را تکرار کند." "مقرر شد نامبرده به دادسرا معرفی شود." وی افزود: "وی در قبال دستور قضائی و اقدام مأمورین مقاومت کرده با تماس‌های تلفنی و حضور در جمع کارکنان مؤسسه، موجب تحریک کارکنان و ایجاد اختلال و بی‌نظمی در روند کاری روزنامه شد که پس از این حوادث حسب دستور دادستان، مأموران محل را ترک کردند."

این هم گزارشی از دادستان کذاب حکومت اسلامی از رویدادهای درون مؤسسه. اما خبرنگاران از وی سؤال می‌کنند، پس این ماجرای استفاده از گاز اشک‌آور و دستگاه‌های شوک الکتریکی چیست؟ ایشان در حالی تکذیب می‌کنند که هنوز مصاحبه وی آغاز نشده بود، فلم این حمله با گاز اشک‌آور و یورش مأموران دادستانی و پولیس، کتک زدن کارکنان روزنامه ایران با باتوم‌های شوک‌آور، و تخریب اتاق‌ها و وسایل کار در اینترنت پخش شده بود و مردم کشورهای دیگر هم از آن‌چه که گذشته بود، خبردار شده بودند. فقط احمدی‌نژاد نیست که دروغ‌های شاخدار تحویل مردم می‌دهد. تمام سران و مقامات حکومت اسلامی آدم‌های شارلاتان کذاب و رسوائی هستند.

آن‌چه که در دفتر روزنامه ایران گذشت، ماجرای پایان یافته‌ای نیست. درگیری‌های حادثی میان باندهای درونی جمهوری اسلامی در پیش است. این کشمکش و درگیری باندها، بیان چیز دیگری جز فساد، زوال و فروپاشی جمهوری اسلامی نیست